بازآفرینی و الحاق، دو روی سکه تولید مسکن در همدان

سپهرغرب، گروه اقتصادی – طاهره ترابی‌مهوش: در گفت‌وگو با انبوه‌ساز همدانی مشخص شد؛ ما در راستای تأمین زمین برای تولید مسکن در همدان هم باید روی زمین‌های موجود در بافت‌های شهری از طریق بازآفرینی برنامه‌ریزی داشته باشیم و هم نسبت به الحاق اراضی اقدام کنیم زیرا هریک از این بافت‌ها دارای مشتریان خاص خود هستند.

دوم آبان‌ماه بود که مسعود بیات‌منش، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی در همایش انبوه‌سازان که در خراسان رضوی برگزار شد، عنوان کرد: اگر کسی بتواند گره مسکن را باز کند، قطعاً از میان انبوه‌سازان و سازندگان بخش خصوصی خواهد بود. در حال حاضر نزدیک به ۹ هزار شرکت انبوه‌سازی داریم که هرکدام از آن‌ها سالانه ۱۰۰ واحد هم بسازند، در انتها ۹۰۰ هزار واحد مسکونی خواهیم داشت.

بنابراین می‌توان این ظرفیت بزرگ را بهترین راهکار در راستای حل چالش مسکن به‌ویژه در شهرهایی همچون همدان دانست. حال آنکه در سال‌های اخیر، دولت ایران اقدامات مختلفی برای حمایت از انبوه‌سازی مسکن انجام داده که ازجمله می‌توان به اعطای تسهیلات بانکی، واگذاری زمین و معافیت‌های مالیاتی اشاره کرد. با وجود این اقدامات، انبوه‌سازی مسکن در استان و شهر همدان همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که باید برای رفع آن‌ها تلاش کرد.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا درخصوص چالش‌های پیش‌روی ساخت مسکن توسط انبوه‌سازان در همدان با انبوه‌ساز همدانی گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

امیر امین‌حاتمی در پاسخ به این پرسش که نقش تأمین زمین تا چه حد در تولید مسکن چالش‌برانگیز است؟ گفت: در حال حاضر ۵۰ تا ۶۰ درصد از قیمت تمام‌شده یک متر آرپاتمان بسته به منطقه آن، تابع قیمت زمین است.

وی با تأکید بر اینکه حداکثر ۳۰ تا ۴۰ درصد از قیمت تمام‌شده مسکن در همدان شامل هزینه‌های ساخت و دریافت پروانه و خدمات فنی مهندسی است ابراز کرد: یکی از نکاتی که برای حل معضل تأمین زمین برای تولید مسکن طی سال‌های اخیر بر آن تأکید می‌شود، الحاق اراضی است، در عین حال برخی نیز بر لزوم استفاده از اراضی موجود در شهر تأکید دارند که از نظر بنده این مسئله همچون یک چاقوی دولبه است.

وی با بیان اینکه متأسفانه هر دو این ظرفیت‌ها در شهر همدان مورد غفلت واقع شده، اظهار کرد: آنچه مسلم است اینکه نمی‌توانیم با قاطعیت اعلام کنیم که الحاق این اراضی به‌تنهایی می‌تواند قیمت را کاهش دهد یا اینکه از آن سوی بام افتاده و ظرفیت‌های داخلی موجود در شهر را در این مبحث به فراموشی بسپاریم؛ زیرا امروز خود بافت‌های فرسوده در حوزه بازآفرینی شهری یک ظرفیت بسیار مهم به‌شمار می‌رود که متأسفانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

این انبوه‌ساز همدانی با تأکید بر اینکه یقیناً تأمین زمین مورد نیاز از دو منبع عنوان‌شده، هر یک دارای مشتریان خاصی به لحاظ تأمین مسکن است، تشریح کرد: این بدان معنا است که امروز کسی که در داخل بافت شهری زندگی می‌کند قطعاً تمایلی به زیست در مناطق تازه الحاق‌شده ندارد اما در عوض برخی‌ها نیز ترجیح می‌دهند در برخی بافت‌های مرتب‌تر و جدیدتر به لحاظ شهرسازی زندگی کنند که آن‌ها را می‌توان برای تولید مسکن در اراضی الحاق‌شده و بیشتر در قالب ساخت آپارتمان گنجاند.

امین‌حاتمی با اشاره به اینکه متأسفانه هر دو ظرفیت تعریف‌شده در همدان که بنده از آن به‌عنوان یک ضرورت برای رسیدن به توسعه شهری یاد می‌کنم، مورد غفلت واقع شده، تصریح کرد: آنچه مسلم است اینکه برای رسیدن به توسعه نمی‌توان تنها نظر خودمان را ملاک قرار دهیم بلکه باید از تجربه‌های موجود در جهان به لحاظ شهرسازی نیز تبعیت کرد.

وی ادامه داد: تجربه جهانی نشان می‌دهد در شهرها علاوه بر الحاق اراضی موضوع بازآفرینی شهری نیز متناسب با هرم جمعیتی و نرخ رشد جمعیت در آن شهر مورد توجه قرار می‌گیرد تا در بازار مسکن شاهد ایجاد تعادل عرضه و تقاضا باشیم.

وی در واکنش به تأثیر قیمت مصالح و نیروی کار در قیمت تمام‌شده مسکن در همدان تصریح کرد: متأسفانه در حال حاضر قیمت مصالح ساختمانی و دستمزدها نسبت به چند سال اخیر بسیار بالا رفته ولی در فروش ساختمان ما رشدی را شاهد نبودیم، اگر رشدی هم اتفاق افتاده تابعی از افزایش قیمت زمین بوده بدان معنا که ما رشدی در بهای تمام‌شده مسکن از طرف مصالح ساختمانی نداشتیم.

این انبوه‌ساز همدانی ادامه داد: این امر باعث شده که سبد درآمدی انبوه‌سازان ما در استان کاهش پیدا کرده و موجبات فرار سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن را از استان همدان به استان‌های همجوار شاهد بوده و یا اینکه این سرمایه‌ها به سمت دیگری سوق پیدا کرده‌اند.

امین‌حاتمی در واکنش به این مسئله که نقش خانه‌های خالی و بروکراسی اداری را در فضای انبوه‌سازی مسکن تا چه حد به‌عنوان چالش قلمداد می‌کنید؟ عنوان کرد: به‌نظر باید این پرسش را در خصوص خانه‌های خالی تغییر داد و اینگونه گفت که مالیات‌ستانی جدیدی که از سوی سازمان امور مالیاتی برای بخش مسکن ترسیم شده تا چه حد در تولید مسکن چالش‌آفرین بوده؛ زیرا این امر خود یکی از مسائلی است که منجر به فرار سرمایه‌های ما از بخش مسکن به کشورهای همجوار می‌شود چراکه در هیچ‌جای دنیا مرسوم نیست که ما از خانه‌های خالی مالیات‌ستانی کنیم.

وی با اشاره به اینکه در همه جای دنیا چون مسکن موتور محرک بیش از ۴۰۰ شغل به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم است، تشریح کرد: بدان معنا که ما اگر در این مسیر از طریق این قواعد جدید، مانع ایجاد کنیم و درواقع از خرید خالی و سرمایه‌گذاری در این بخش جلوگیری کنیم سرمایه‌گذار ما از ایران خارج شده و این کار را در سایر کشورها دنبال می‌کند.

این تولیدکننده مسکن در همدان با بیان اینکه به‌نظر بنده اینکه ادامه این رویکرد بسیار اشتباه است، درواقع ما نمی‌توانیم از همه مردم بخواهیم که سرمایه‌هایشان را در بخش تولید و کارخانجات به‌کار گیرند، در حالی که از گذشته دور برخی از افراد سرمایه خود را در حوزه دلالی مسکن به‌کار گرفته و از این طریق در عرصه اقتصاد نقش‌آفرینی می‌کنند و این امر در دنیا یک امر پذیرفته‌شده است. در بلندمدت یعنی طی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده، صنعت مسکن جزو تنها صنایعی است که سرپا خواهد بود.

امین‌حاتمی با اشاره به نقش و تأثیر بروکسی اداری، تصریح کرد: تا آنجایی که من اطلاع دارم امروز در شهرهایی همچون تهران و مشهد دفاتر خدمات شهری در حوزه مسکن ایجاد شده که به‌ویژه صدور پروانه ساختمانی را در کوتاه‌مدت دنبال کرده و انجام می‌دهند اما متأسفانه سال‌هاست که این موضوع در همدان پیگیری شده اما شهرداری همدان اجازه نمی‌دهد که این دفاتر راه‌اندازی شود، امروز برای صدور پروانه به‌صورت میانگین هشت تا ۱۲ ماه و در عین حال برای صدور پایان کار هم حدود ۶ تا ۱۰ زمان‌بر است.

وی افزود: در نظر بگیرید اگر پروژه ساخت یک مجتمع ۶ واحدی چهار و نیم سال طول می‌کشد، این مدت را باید خواب سرمایه در نظر گرفت که این امر خود باعث فرار سرمایه از این بخش خواهد شد.

این کارشناس مسکن در واکنش به نقش عدم همکاری بانک‌ها در اعطای تسهیلات بر تولید مسکن، تشریح کرد: گرچه تسهیلات موتور محرک تولید مسکن است اما آخرین باری که از تسهیلات بانکی استفاده کردم به سال ۹۷ برمی‌گردد چراکه دارای بروکراسی پیچیده و روند طولانی است و در عین حال نرخ بهره بانکی بسیار بالا است.

امین‌حاتمی ادامه داد: نکته تأمل‌برانگیزتر اینکه وقتی بازار مسکن دچار رکود می‌شود بانک به‌عنوان یک شریک در کنار انبوه‌ساز قرار نمی‌گیرد بلکه به‌عنوان یک طلبکار ایفای نقش می‌کند؛ بنابراین بیشتر انبوه‌سازان ترجیحشان بر این است که از تسهیلات بانکی بهره‌ای نبرند چراکه در صورت بروز مشکل همراهی لازم از سوی نظام بانکی انجام نمی‌شود.

مع‌الوصف با توجه به آنچه گفته شد؛ انبوه‌سازان در حوزه مسکن نقش حیاتی و اساسی را در تأمین و تولید واحدهای مسکونی ایفا می‌کنند به طوری که با افزایش جمعیت و نیازهای مسکن، ورود این انبوه‌سازان به بازار ساخت‌وساز به‌عنوان یک پاسخ مؤثر به تقاضا، می‌تواند تأثیرات چشمگیری را بر روی تعادل بازار داشته باشد.

یکی از مزایای اصلی حضور انبوه‌سازان در بازار مسکن، افزایش عرضه واحدهای مسکونی است که این افزایش عرضه باعث می‌شود بازار در برابر تقاضا مقاومت کند و قیمت‌ها در محدوده‌ای تعادلی حرکت کنند اما چنانکه گفته شد؛ امروز انبوه‌سازان همدان با مشکلات پیچیده‌ای روبه‌رو هستند که باید با تدابیر لازم این موانع را از پیش روی آن‌ها برداشت.

امکان افزایش راندمان نیروگاه‌های کشور با سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی

سپهرغرب، گروه اقتصادی: برای بهبود وضعیت باید مشوق در سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و تنوع‌بخشی به روش‌های تولید برق به‌ویژه در انرژی‌های تجدید پذیر همچون بادی، خورشیدی، زمین گرمایی افزایش یابد و تلاش کنیم تا وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهیم.

نیروگاه‌های کشور به‌دلیل قدمت طولانی و عدم نوسازی، دچار فرسودگی شده‌اند این نیروگاه‌ها، بیش از دو هزار و ۲۰۰ مگاوات نیروگاه گازی با عمر بیش از ۳۰ سال و حدود ۱۴۳۰ مگاوات نیروگاه بخار با عمر به پایان رسیده، هنوز فعال هستند.

راندمان نیروگاه‌های گازی و بخار کشور پایین است. نیروگاه‌های گازی که باید متوسط عمر ۳۰ ساله داشته باشند، هنوز به کار خود ادامه می‌دهند و نیروگاه‌های بخار نیز با ۵۰ سال عمر مفید، به پایان عمر خود نزدیک شده‌اند. این نیروگاه‌ها به طور عمده راندمان پایینی دارند که به‌ویژه در شرایط افزایش مصرف برق و ناترازی تولید و مصرف، بر شدت بحران انرژی اضافه می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که حتی با افزایش ضریب بهره‌برداری از نیروگاه‌های قدیمی، متوسط راندمان نیروگاه‌های کشور پایین باقی بماند.

■ نوسازی نیروگاه‌ها و افزایش بهره‌وری؛ گامی به سوی انرژی پایدار

کارشناس ارشد نفت و انرژی با اشاره به علت فرسودگی نیروگاه‌ها می‌گوید: علت‌های فرسودگی نیروگاه‌های کشور به قدمت فناوری ساخت آن‌ها برگردد، بسیاری از زیرساخت‌های برای ما قبل از سال ۱۳۵۷ است و بخشی دیگر مربوط به دوران سازندگی در اوایل دهه ۱۳۷۰ می‌باشند که این زیرساخت‌ها به مرور زمان دچار فرسودگی شده‌اند لازم به ذکر است که نیروگاه‌های جدید بخش کوچکی از کل ظرفیت تولید برق را تشکیل می‌دهند.

محمدصادق مهرجو، می‌افزاید: اغلب نیروگاه‌های موجود راندمان بالایی ندارند؛ به طور کلی، ۸۵ درصد نیروگاه‌های ما حرارتی هستند، حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد برق آبی داریم و انرژی تجدید پذیر کمتر از دو درصد را شامل می‌شود و به طور متوسط راندمان نیروگاه‌های حرارتی ما حدود ۳۰ درصد است، به این معنا که ۷۰ درصد از گاز مصرفی به صورت گرما هدر می‌رود، نیروگاه برق‌آبی داریم مانند نیروگاه سد دز که با کاهش ذخیره پشت سد، راندمان این نیروگاه‌ها نیز به شدت کاهش پیدا کرده است، سدهای دیگری هم داریم که متعلق به اوایل دهه ۷۰ و دوران پس از جنگ است.

وی تصریح می‌کند: به طور سالانه، فرایند اورهال در نیروگاه‌ها در فصل زمستان صورت می‌گیرد، هنگامی که مصرف برق ناشی از سیستم‌های سرمایشی کاهش پیدا می‌کند. این اورهال به منظور نگهداری و بررسی فنی توربین‌ها و توربو ژنراتورها هر سال انجام می‌شود.

کارشناس ارشد نفت و انرژی با بیان راهکار برای چالش‌ها، خاطرنشان می‌کند: نیاز به نوسازی و بهسازی نیروگاه‌ها داریم تا راندمان آن‌ها را افزایش دهیم؛ توربین‌های ما بیشتر تکنولوژی قدیمی دارند و باید با استفاده از روش‌هایی مانند سیکل ترکیبی، راندمانشان را ارتقا داد و یکی از مشکلات دیگر در صنعت برق، تلفات انتقال و توزیع است که ۱۵ تا ۲۰ درصد توان برق کشور را از بین می‌برد.

مهرجو می‌افزید: برای بهبود وضعیت باید مشوق در سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و تنوع بخشی به روش‌های تولید برق به‌ویژه در انرژی‌های تجدیدپذیر همچون بادی، خورشیدی، زمین گرمایی افزایش یابد و تلاش کنیم تا وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهیم.

■ انگیزه‌های اقتصادی برای بهبود عملکرد نیروگاه‌ها و کاهش هزینه‌ها

پژوهشگر حوزه انرژی می‌گوید: طبق آمارها، میانگین راندمان نیروگاه‌های ایران اکنون ۳۹٫۱ درصد است، در حالی که میانگین جهانی ۴۸٫۲ درصد می‌باشد این بدان معنا است که ما حدود ۹ درصد کمتر از متوسط جهانی عملکرد داریم و اگر بتوانیم این ۹ درصد را جبران کنیم، می‌توانیم سالانه حدود ۱۷٫۷ میلیارد مترمکعب یا ۱۷ میلیارد لیتر سوخت مایع صرفه‌جویی کنیم، این مقدار برابر با متوقف کردن کل مصرف گازوئیل در نیروگاه‌ها و جایگزینی آن با گاز است.

سید احسان حسینی، ادامه می‌دهد: عوامل اصلی هدر رفت انرژی در تلفات انتقال و توزیع به مسئله قیمت‌گذاری برمی‌گردد که در حال حاضر، روابط مالی بین نیروگاه‌ها و وزارت نفت به صورت تهاتری است.

وی خاطرنشان می‌کند: راهکار افزایش راندمان نیروگاه‌ها این است که در یک بازه زمانی پنج ساله، هر سال ۲۰ درصد از قیمت گاز برای نیروگاه‌ها واقعی شود و قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها نیز واقعی شود، اگر این فرایند تدریجی باشد، نیروگاه‌ها فرصتی خواهند داشت تا به سمت بهینه‌سازی و افزایش راندمان حرکت کنند.

پژوهشگر حوزه انرژی تصریح می‌کند: اگر قیمت گاز و برق واقعی شود، ممکن است برخی چالش‌ها بر سر راه مصرف‌کنندگان خانگی پیش بیاید. در این زمینه، دولت می‌تواند با توجه به درآمدهایی که از فروش گاز به نیروگاه‌ها به‌دست می‌آورد، بر روی قبض‌های برق مصرف‌کنندگان تأثیر بگذارد تا قیمت‌ها کنترل شوند و مصرف‌کنندگان هم‌چنان قادر به پرداخت به‌موقع قبوض خود باشند.

حسینی می‌افزاید: دولت برنامه‌های مختلفی را برای نیروگاه‌ها ارائه داده است، اما اصلی‌ترین برنامه فعلی، برنامه هفتم توسعه است که هدف آن صرفه‌جویی در حدود ۸۰ هزار بشکه نفت خام در روز است. این صرفه‌جویی به‌طور تقریبی برابر با ایجاد صرفه‌جویی سالانه در حدود سه میلیارد دلار خواهد بود.

به گزارش ایمنا، فرسودگی نیروگاه‌ها و زیرساخت‌های شبکه برق کشور یکی از چالش‌های جدی در بخش انرژی است که نه‌تنها موجب کاهش راندمان تولید برق، بلکه منجر به هدررفت منابع طبیعی و افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی می‌شود.

نوسازی و بهسازی نیروگاه‌ها و شبکه‌های انتقال به‌ویژه با استفاده از فناوری‌های مدرن و روش‌های بهره‌برداری بهینه، راه‌حل‌های مهمی برای رفع مشکلات هستند. استفاده از روش‌هایی همچون سیکل ترکیبی در نیروگاه‌ها می‌تواند راندمان این تأسیسات را به‌شدت افزایش دهد، همچنین توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر همچون انرژی خورشیدی، بادی و زمین‌گرمایی می‌تواند وابستگی کشور به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد. کارشناسان به ضرورت واقعی‌سازی قیمت‌ها و ایجاد مشوق‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در این بخش تأکید دارند. در صورتی که هزینه‌های انرژی به‌طور تدریجی به قیمت‌های واقعی برسد، نیروگاه‌ها انگیزه خواهند داشت تا راندمان خود را ارتقا دهند.

در نهایت، به‌منظور کاهش تلفات و بهبود کارایی در صنعت برق، توجه به سرمایه‌گذاری در نوسازی و استفاده از فناوری‌های جدید برای ارتقای راندمان نیروگاه‌ها و بهینه‌سازی فرایند انتقال و توزیع انرژی ضروری است. بر اساس تحلیل‌ها، افزایش راندمان نیروگاه‌ها و کاهش تلفات انتقال می‌تواند منجر به صرفه‌جویی قابل‌توجهی در مصرف سوخت و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی شود. بنابراین، برنامه‌ریزی صحیح برای نوسازی این بخش‌ها، همراه با سیاست‌های اقتصادی مناسب، می‌تواند به بهبود وضعیت انرژی کشور کمک کند و از بحران‌های آینده جلوگیری کند.

ساختار صنعتی ایران؛ ضعف‌ها و قوت‌ها

سپهرغرب، گروه اقتصادی: براساس نظریه‌های اقتصادی صرفه‌های ناشی از مقیاس به‌معنای کاهش هزینه‌های تولید به‌ازای هر واحد محصول با افزایش حجم تولید است. این پدیده به‌دلیل عواملی مانند تقسیم هزینه‌های ثابت بر تعداد واحدهای تولید بیشتر، استفاده بهینه از تجهیزات و نیروی‌کار متخصص و بهبود فرآیندهای تولید رخ می‌دهد.

همچنین مزایای صرفه‌های ناشی از مقیاس، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت محصولات و توانایی رقابت در بازارهای جهانی از طریق کاهش قیمت تمام‌شده انجام می‌شود. برای بررسی وضعیت صرفه‌های مقیاس در صنایع ایران در بازه سال‌های ۹۹-۱۳۹۵ و شامل ۱۱۲ کد چهار رقمی ISIC از طرح کارگاه‌های صنعتی۱۰ نفر کارکن و بیشتر از داده‌های مرکز آمار ایران استفاده شده است.

براساس نتایج به‌دست آمده از ۱۱۲ رشته فعالیت با کد چهاررقمی، ۷۷ درصد رشته فعالیت‌های صنعتی بازدهی نسبت به مقیاس بزرگتر از یک دارند؛ بنابراین در این صنایع با افزایش دو برابری تولید می‌توان هزینه‌های تولید را کاهش داد. ازجمله این صنایع تولید انواع رنگ و روغن جلا و پوشش‌های مشابه، تولید دوچرخه و صندلی چرخدار معلولان، ساخت تجهیزات پرتودهی، الکتروپزشکی و الکترودرمانی، تولید مالتا و ماءالشعیر، تولید ظروف و محفظه‌های چوبی، تولید پارچه‌های کشباف و قلاب‌بافی، ساخت کالاهای مصرفی الکترونیکی، تولید فرآورده‌های کوره کُک‌پزی و تولید بدنه (اتاق) وسایل نقلیه موتوری و ساخت تریلر و نیم‌تریلر است.

۲۳درصد صنایع شامل ۲۶صنعت (یا رشته فعالیت کد چهاررقمی آیسیک) که از صرفه‌های ناشی ازمقیاس برخوردار نیستند وعددی کمتر از یک دارند، عبارتند از صنایع تولید سایرپمپ‌ها، کمپرسورها، شیرها و سوپاپ‌ها؛ تولید تجهیزات بالابر و جابجاکننده؛ تولید نوشابه‌های بدون الکل، آب معدنی و سایر آب‌های پرشده در بطری؛ تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد خاص و تولید ماشین‌آلات استخراج معدن و ساختمان.

از ۱۱۲ رشته فعالیت با کد چهاررقمی تنها ۱۰ درصد صنایع، قیمت کمتر یا مساوی هزینه نهایی تعیین کرده‌اند و رفتاری رقابتی داشته‌اند؛ ازجمله صنایع تولید ماشین‌آلات استخراج معدن و ساختمان، تولید سایر پمپ‌ها، کمپرسورها، شیرها و سوپاپ‌ها، تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد خاص، تولید مواد ساختمانی از خاک رس، تولید پوشاک، به‌جز پوشاک از پوست خزدار، تولید نوشابه‌های بدون الکل، آب معدنی و سایر آب‌های پرشده در بطری، تولید قطعات و لوازم الحاقی وسایل نقلیه موتوری، تولید کالاهای نساجی آماده- به‌جز پوشاک، تولید کالاها از بتن و سیمان و گچ؛ آماده‌سازی و ریسندگی الیاف نساجی؛ کشباف و قلاب‌بافی و ساخت کالاهای مصرفی الکترونیکی را می‌توان نام برد.

به‌عبارت دیگر در صنایع ایران، صرفه‌های ناشی از مقیاس به بهای کاهش رقابت یا افزایش درجه انحصار و کاهش رفاه مصرف‌کننده است.کشورهای مختلف برای بهرهمندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس و رقابت سیاست‌ها و اقداماتی رادردستور کار قرار داده‌اند، به‌طوری که ژاپن با ایجاد کنسرسیوم‌های صنعتی بزرگ (کایزِن)؛ کره جنوبی با حمایت دولت از صنایع خاص، ایجاد خوشه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه؛ چین با ایجاد مناطق اقتصادی ویژه؛ آلمان با تمرکز بر مهندسی و تولید محصولات با کیفیت بالا؛ فرانسه با حمایت از صنایع بزرگ و ایجاد خوشه‌های صنعتی؛ کشورهای اسکاندیناوی با تمرکز بر محیط زیست و اقتصاد دانش‌بنیان؛ آمریکا با حمایت از نوآوری و ایجاد شرکت‌های بزرگ چندملیتی؛ کانادا با تمرکز بر منابع طبیعی و صنایع مرتبط با آن است.

در ایران همانند بسیاری از کشورهای مختلف جهان آنچنان که گفته شد برای بهره‌مندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس سیاستهایی مانند حمایت از صادرات غیرنفتی؛ حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی؛ ترویج خوشه‌های صنعتی؛ حمایت از انتقال فناوری با ایجاد مرکز توسعه فناوری؛ حمایت از تحقیق و توسعه؛ حمایت از توسعه زیرساخت‌ها و سایر اقدامات به اجرا درآمده است اما همچنان علی‌رغم برخوردای برخی از صنایع از منافع صرفه‌های ناشی از مقیاس، صنعت کشور به توسعه نرسیده است. به‌نظر می‌رسد علت را باید در عدم پایداری قوانین و تنظیم مقررات هوشمند، تحریم‌ها (که ایجاد انحصار می‌کند)، عدم برخورداری از رقابت وارداتی و هوشمند نبودن حمایت‌ها جست‌وجو نمود. بنابراین صنعت کشور نیازمند استقرار نهادهای مدیریتی و قانونی‌ای است که سیاستگذاری بلندمدت داشته باشند.

* خلیل حیدری؛ کارشناس اقتصادی

آیا سامانه ارز توافقی حتماً منجر به افزایش عرضه ارز می‌شود؟

سپهرغرب، گروه اقتصادی: به اعتقاد برخی کارشناسان ساز و کار عرضه و تقاضایی که هم‌اکنون در سامانه ارز توافقی تعیین‌کننده نرخ ارز رسمی کشور است، می‌تواند منجر به تأخیر در بازگشت ارز حاصل از صادرات شود چراکه با عدم بازگشت این ارزها نرخ ارز رسمی دائماً بالاتر میرود.

راه‌اندازی سامانه توافقی ارز می‌تواند تأثیرات متعددی بر عرضه ارزهای حاصل از صادرات داشته باشد، اما نتیجه نهایی به نحوه طراحی و اجرای سامانه و شرایط اقتصادی بستگی دارد. به‌طور کلی، برخی کارشناسان در خصوص تأثیرات این سامانه بر افزایش عرضه ارزهای صادراتی موارد زیر را عنوان میکنند.

۱. تشویق صادرکنندگان به عرضه ارز

برخی بر این باورند که اگر سامانه توافقی ارز به صادرکنندگان اجازه دهد که ارز حاصل از صادرات خود را با نرخ توافقی نزدیک به نرخ بازار آزاد به فروش برسانند، این می‌تواند انگیزه آن‌ها را برای عرضه ارز افزایش دهد. در سیستم‌هایی که نرخ ارز رسمی پایین‌تر از نرخ بازار آزاد است، صادرکنندگان ممکن است تمایلی به بازگشت ارز به کشور نداشته باشند یا به‌دنبال روش‌های غیررسمی باشند.

۲. کاهش شکاف بین نرخ‌های ارز

برخی از کارشناسان هم عنوان می‌کنند، با ایجاد یک بازار توافقی، شکاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند تقاضای ارز در بازار آزاد را کم کند و در نتیجه به ثبات بازار کمک کند.

۳. افزایش شفافیت و کاهش فعالیت‌های غیررسمی

یک سامانه توافقی شفاف می‌تواند مسیرهای غیررسمی یا قاچاق ارز را کاهش داده و ارزهای حاصل از صادرات را به‌صورت شفاف‌تر به چرخه اقتصاد بازگرداند.

■ ساز و کار عرضه و تقاضا جذابیت‌های عدم بازگشت ارز را افزایش می‌دهد؟

از طرفی بر خلاف موارد بالا، برخی از کارشناسان ارزی با توجه به تجربه سیاست گذاری‌های ارزی در سال ۹۷ بر این باورند که اتفاقا سامانه‌ای که بر اساس عرضه تقاضا باشد، می‌تواند روند بازگشت ارزهای صادراتی را به تأخیر بیندازد.

در چنین شرایطی که صادرکننده می‌داند با ایجاد تأخیر در بازگشت ارز حاصل از صادرات خود، نرخ ارز رسمی در یک دامنه نوسان سه درصدی روزبه‌روز می‌تواند بالاتر رود، طبیعتاً این انگیزه را پیدا خواهد کرد تا در بازگشت ارز خود تأخیر ایجاد کند.

از همین رو برخی از کار شناسان معتقدند اتفاقاً عدم تثبیت نرخ ارز رسمی کشور، همواره روند بازگشت ارزهای حاصل از صادرات را به تأخیر می‌اندازد و اتفاقاً به عاملی برای جهش نرخ ارز تبدیل خواهد شد.